

بررسی اختلاف نظر آیت الله خوئی با تعدادی از دانشمندان

پیرامون جمع آوری و تدوین قرآن

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۵

رحیم بلواسی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

قرآن کریم طی بیست و سه سال به تدریج بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد. مسلمانان آیات و سوره‌های قرآن را با علاقه فراوان در سینه‌ها حفظ می‌کردند و زیر نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله کاتبان وحی نوشته می‌شد؛ اما جمع و تدوین قرآن به صورت کنونی، میان دانشمندان و محققین علوم قرآن مورد اختلاف است. آیت الله خوئی ضمن بیان دلایلی معتقد است، این کار در زمان پیامبر به انجام رسیده است. برخی از دانشمندان و محققین علوم قرآن با نظرات موافق نیستند. ما با استناد به منابع و متون اسلامی بر این عقیده شدیم که جمع و تدوین قرآن به شکل کنونی و در قالب یک کتاب، بعد از رحلت آن حضرت انجام گرفته است و نخستین کسی که به این کار اقدام کرد علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است که البته کار او مورد پذیرش واقع نشد و جمع و تدوین قرآن به صورت رسمی به وسیله زید بن ثابت و پس از رحلت پیامبر اسلام و در زمان خلافت ابوبکر انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: خوئی، جمع قرآن، نظر محققین، دلایل.

قرآن معجزه جاوید رسول اکرم و سند نبوت اوست که به وسیله جبرئیل برآن حضرت نازل گردید. مسلمانان با علاقه فراوان آیاتی که نازل می‌شد، حفظ می‌کردند. هنگام نزول آیات قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله به کاتبان وحی دستور می‌داد که آن‌ها را نگارش کنند. از آغاز نزول تاکنون، قرآن مورد توجه خاص مسلمین بوده، دانشمندان نیز تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در جنبه‌های گوناگون این کتاب مقدس انجام داده‌اند و با استفاده از علوم مختلفی در زمینه قرآن مانند قرائت، تفسیر، بلاغت، تاریخ قرآن و ... سعی نموده‌اند در حد توان علمی خویش با معارف بیکران آن آشنا شوند. حال این سؤال مطرح است آیا قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت یک کتاب جمع‌آوری گردید؟ دلایل موافقین و مخالفین تدوین قرآن در زمان حیات پیغمبر صلی الله علیه و آله چیست؟ در این مقاله صحت دلایل دانشمندان بر جمع‌آوری و تدوین قرآن بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اثبات می‌گردد.

از مباحث مورد اختلاف دانشمندان و صاحب‌نظران علوم قرآنی مبحث «جمع و تدوین» قرآن است. آیت الله خویی^۱ عقیده دارد قرآن به طور کامل، در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله جمع‌آوری و تدوین شده است. ایشان به روایات جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت ابوبکر ایراد گرفته و با بررسی آنها، ضعف و نارسایی و مجهول بودنشان را اثبات می‌نماید. او متذکر می‌شود که موضوع جمع و ترتیب قرآن به وسیله خلفاء، مخالف همه ادله احکام شرعی، اعم از قرآن، سنت، اجماع و عقل است و واقعیت ندارد.

دلایل خویی بر عدم پذیرش روایت تدوین قرآن در زمان خلفا

ایشان روایت جمع‌آوری قرآن به وسیله زید بن ثابت، در زمان خلافت ابوبکر رادارای اشکالاتی می‌داند و معتقد است در این باره نباید به آن استناد نمود. دلایل او بر رد این روایت عبارت‌اند از:

دلیل اول: تعارض روایت جمع آوری قرآن با خود قرآن

از جمله مواردی که ایشان به آن استناد می‌کنند، کلمه «کتاب» است که در بعضی از سوره‌های قرآن آمده است. پیامبر، کفار و مشرکین را به «تحدی» و آوردن کتابی همانند قرآن فراخوانده است و معنای این پیشنهاد و مبارزه طلبیدن آن است که سوره‌های قرآن در قالب یک کتاب در اختیار آن‌ها بوده است. از این نام‌گذاری استفاده می‌شود که قرآن در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله جمع آوری شده و به صورت یک کتاب تدوین درآمده است؛ زیرا اگر چنین نبود به آیات پراکنده و نوشته‌هایی که بر استخوان کتف حیوانات و پوست‌ها و تخته‌ها، کتاب اطلاق نمی‌شد.

دلیل دوم: مخالفت روایت با حکم عقل

دلیل دیگر استناد او، این است که این روایت و روایات نظیر آن که جمع آوری قرآن را به دوران بعد از رحلت پیامبر می‌دانند مخالفت با حکم عقل است. توجه به عظمت قرآن، و اهمیتی که پیامبر و مسلمانان نسبت به خواندن و حفظ قرآن داشتند با جمع آوری قرآن در زمان پیامبر منافات دارد. این امر اقتضا می‌کند که قرآن در زمان پیامبر جمع آوری و تدوین شده است.

دلیل سوم: مخالفت این روایت با اجماع مسلمین

این روایت با اجماع مسلمین تعارض دارد چرا که تمام مسلمانان اتفاق نظر دارند که قرآن جز با تواتر ثابت نمی‌شود و بر اساس این روایت تنها مدرکی که برای اثبات قرآن بودن آیه‌ای هنگام جمع آوری زید بن ثابت بدان استناد می‌شد، شهادت دو شاهد بود؛ معنای این سخن آن است که قرآن با خبر واحد اثبات می‌شود درحالی که هیچ مسلمانی به این موضوع ملتزم نمی‌شود. سپس او بیان می‌دارد که نسبت دادن موضوع جمع آوری قرآن به خلفا و دوران پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امری موهوم، پنداری و غلط و بی‌اساس است که با قرآن، سنت، اجماع و عقل و اجماع مسلمین

تعارض دارد و قائلین به تحریف بر این موضوع پافشاری می‌نمایند.^۲ قبل از هر چیز لازم است معنای جمع قرآن در منابع علوم قرآن روشن شود که آیا جمع قرآن همیشه دارای یک معنا بوده، یا این که در هر زمانی معنای ویژه‌ای داشته است؟ نگاهی به مجموعه اخبار و روایات و نظر دانشمندانی که در باره جمع قرآن سخن گفته‌اند، به خوبی نشان می‌دهد که این کلمه در زمان‌های مختلف به معنایی خاص و متناسب با مقصود به کار رفته است. بنابراین می‌توان چنین گفت که «جمع قرآن» برحسب زمان و به اقتضای کلام، معانی مختلفی را در برداشته است. به طور کلی دارای این معانی بوده است:

الف) جمع به معنای حفظ کردن آیات و سوره‌های قرآن

گاهی به معنای حفظ کردن و به حافظه سپردن و از برکردن است. در این جا به آن دسته از صحابی که قرآن را از حفظ داشتند «حفاظ قرآن» یا «جُمَاع قرآن» می‌گفتند. در میان مستشرقان نولدکه و شوالی آن را به معنی حفظ و اخذ می‌گیرند.^۳ یعنی وقتی گفته شده است که فلان صحابی قرآن را جمع کرده است، منظور حفظ قرآن یا قسمتی از آن بوده است. نوی نیز «جَمَعُوا الْقُرْآنَ» را «حَفَظُوا جَمِيعَهُ» شرح می‌کند.^۴ سیوطی به نقل از نسایی می‌گوید: از عبدالله بن عمر روایت شده است که گفت: قرآن را جمع کردم، هر شب آن را می‌خواندم، به پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر رسید، به من فرمود: آن را در عرض ماه بخوان، همچنین او از شعبی نقل می‌کند که قرآن در زمان نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله شش تن جمع کردند: ابی، زید، معاذ، ابودرداء، سعد بن عبید، ابوزید و مجمع بن جاریه.^۵ در میان اصحاب رسول خدا و آن صورتی که از اسامی دیدیم، هفت نفر هستند که شهرت بیشتری در قرائت قرآن و آموزش آن یافته‌اند: علی علیه السلام، عثمان، ابی، زید بن ثابت، ابن مسعود، ابو دردء و ابوموسی اشعری.^۶ در تفسیر آیه ﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ (قیامت: ۱۶) آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به

خاطر عشق و علاقه شدیدی که به دریافت و حفظ قرآن داشت، هنگامی که پیک وحی آیات را بر او می‌خواند، همراه او زبان را به تکرار آیات قرآن حرکت می‌داد و عجله می‌کرد خداوند او نهی فرمود که این کار را نکن، ما خود آن را برای تو جمع می‌کنیم.^۷ نخستین مرحله جمع قرآن، نگهداری و حفظ قرآن در سینه‌هاست و این مرحله از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز می‌گشت، تمام همت خود را بر آن گماشته بود که خود قرآن را فراگیرد، حفظ کند، سپس آن را با درنگ بر مردم بخواند تا مردم نیز آن را فراگیرند و حفظ کنند، بدان عمل کرده و به آیندگان بسپارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود به فراگرفتن و حفظ کردن قرآن حرصی عجیب داشت و در سخت‌ترین حالات هم زبانش را بدان می‌گرداند. او در فراگیری آیات قرآن در ابتدای امر، شتاب می‌ورزید و از ترس این که مبدا کلمه‌ای از یاد برود، در به خاطر سپردن و به دل نگه‌داشتن آن عجله می‌ورزید.^۸ در این دسته از روایات «جمع» به معنی «حفظ در سینه‌ها» آمده است، بنابراین یکی از موارد استعمال جمع قرآن، حفظ و از برکردن آن است.

ب) جمع به معنای نوشتن

زمانی جمع قرآن را به معنی نوشتن دانسته‌اند، منتها آیات به صورت پراکنده و متفرق نوشته شده و در یک جلد جمع نشده، البته بعضی از سوره‌ها نیز مرتب بوده است. این مرحله دوم جمع آوری قرآن است. جمع به این معنا، قطعاً در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است. ترتیب، نظم و عدد آیات در هر سوره، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و به دستور آن بزرگوار صورت گرفته و امری توقیفی است و باید آن را پذیرفت و به همان صورت در هر سوره تلاوت کرد. هر سوره با بسم الله الرحمن الرحيم شروع می‌شد و آیات به ترتیب نزول در آن ثبت می‌شد و با بسم الله الرحمن الرحيم سوره دیگری شروع می‌شد و این نظم طبیعی آیات بود. گاهی اتفاق می‌افتاد که پیامبر با اشاره جبرئیل دستور می‌داد تا آیه‌ای را بر خلاف نظم طبیعی در سوره دیگری قرار دهند؛

آیه ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۸۱) از جمله این آیات است گرچه این آیه از آخرین آیات نازل شده است؛ اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور دادند آن را در میان آیات ربا و دین در سوره بقره ثبت کنند. بنابراین ثبت آیات در سورها چه به صورت طبیعی و یا نظم دستوری، امری توقیفی است و با نظارت و دستور خود پیامبر انجام گرفته است و باید از آن پیروی کرد.^۹ آن چه از قرآن تدریجاً نازل می شد، در الواح و استخوان و شانه شتر و سحف خرما و نظایر آنها نوشته می شد. چیزی که قابل تردید نیست و نمی شود انکار کرد، این است که اکثر سوره های قرآنی پیش از رحلت در میان مسلمانان دایر و معروف بوده است. در ده ها و صدها حدیث از طریق شیعه و سنی که در وصف تبلیغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا یارانش پیش از رحلت، همچنین در وصف نمازهایی که خوانده و سیرتی که در تلاوت قرآن داشته، نام این سورها آمده است.^{۱۰} در بدو امر تمام توجه رسول خدا به گردآوری قرآن و حفظ در سینه ها بود. چه، این سنتی کهن و عاداتی رایج در بین عرب بود و کاری هم آسان تر. گذشته از آن، ابزار نوشتن نیز چنان که باید آماده نبود، شمار نویسندگان در آن زمان هم زیاد نبود. از این جا بود که توجه به حفظ در سینه ها برکتبابت برتری داشت؛ ولی امر نوشتن قرآن نیز به جای خود، مورد توجه خاص پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پیامبر گرامی اسلام برای نوشتن وحی الهی، کسانی را که نوشتن می دانستند، برگزید و آنهایی که در این زمینه کمبود داشتند تشویق می نمود و بسیار کسان را به آموختن می گمارد. هرگاه چیزی از آیات قرآن نازل می شد، کسانی از نویسندگان را فرامی خواند و آنها را به نوشتن امر می فرمود و در ضبط آن نهایت دقت و احتیاط را به کار می بست تا نوشتن پشتیبان حفظ باشد و حفظ یاور نوشته.^{۱۱} موضوع نوشتن قرآن کار جدیدی نیست؛ زیرا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به نوشتن امر می فرمود؛ ولی در رقعها و اکتفاف و عُسْب پراکنده بود.^{۱۲} عثمان بن ابی العاص می گوید: در محضر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودم که جبرئیل بر او نازل شد. پیامبر فرمود:

جبرئیل مرا امر نمود که آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۹۰) را در این موضع از سوره نحل قرار دهم و آیه میان آیات استشهاد و آیات عهد در سوره نحل قرار داده شد.^{۱۳} در مورد علی علیه السلام همه تصریح دارند که از کاتبان اولیه و مداوم وحی الهی بوده است.^{۱۴} در میان مستشرقان، بلاشر فرانسوی می‌گوید: «تعداد کاتبان وحی به چهل نفر می‌رسید».^{۱۵} ابو عبدالله زنجانی پس از آن که نام چهل و سه تن را به عنوان کاتبان وحی ذکر می‌کند می‌گوید: «آنان که بیش‌ترین کتابت و ملازمت را با پیامبر داشتند، زید بن ثابت و علی بن ابی طالب علیه السلام بودند».^{۱۶} نگارش قرآن در زمان ابوبکر کار تازه‌ای به شمار نمی‌رفت؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش به نگارش آن امر فرمود؛ ولی قرآن بر روی پوست و برگ و کاغذ و استخوان‌هایشانه شتر و گوسفند و سنگ‌های ظریف سفید و به صورت پراکنده نگارش می‌شد. ابوبکر دستور داد آن چه از قرآن در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد، فراهم آورند تا از میان نرود.^{۱۷} روی هم رفته کُتاب و نویسندگان وحی در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را بر هر چیزی که قابل نوشتن بود نگارش می‌کردند و به هر قسمت از نوشته‌های قرآنی که نگارش آن‌ها از یکی از نوشت افزارهای معمول استفاده می‌شد کلمه «صحیفه» اطلاق می‌نمودند. بنابراین قرآن در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله با تمام دقت نگارش یافته و خود آن حضرت ناظر بر آن بوده است.^{۱۸}

ج) جمع به معنای تدوین و جمع‌آوری

سومین معنایی که از جمع قرآن به‌کاررفته است، به معنای ترتیب و تدوین سوره‌های قرآن در یک مجموعه منظم و در قالب یک کتاب است. همین معنا از جمع است که مورد اختلاف نظر بسیاری از صاحب‌نظران و محققین تاریخ قرآن است، موضوع بحث ما نیز همین است. چنان که قبلاً نیز بیان شد مرحوم خوبی اعتقاد دارند که این نوع جمع هم در

زمان حیات پیغمبر به طور کامل انجام گرفته است؛ اما بسیاری از دانشمندان و اهل نظر و محققین تاریخ قرآن با نظر او هم عقیده نیستند و این نوع جمع‌آوری قرآن را به دوران خلفا و بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌دانند. به هر حال باید دید که نخستین کسی که قرآن را چون دفتری تحت عنوان «مابین دفتین» یا «ما بین لوحین» گردآوری کرده است که بوده است؟

دلایل رد نظر آیت الله خوئی از سوی دانشمندان

الف) دلایل نقلی

یکی از دلایلی که بسیاری از دانشمندان و محققین علوم قرآن با نظر خوئی موافق نیستند و عقیده دارند که جمع‌آوری و تدوین قرآن بعد از رحلت پیامبر و در زمان خلفا انجام گرفته است نقل روایاتی است که در مورد جمع‌آوری قرآن بعد از پیامبر آمده است. ما در اینجا برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

ابن اشته در کتاب المصاحف آورده که گفت: «اولین کسی که قرآن را جمع کرد، ابوبکر بود که زید آن را نوشت، مردم به نزد زید بن ثابت می‌آمدند و او جز با شهادت دو نفر عادل آیه را نمی‌نوشت. آخر سوره براءة یافت نشد مگر نزد خزیمه بن ثابت، پس گفت آن را بنویسید که رسول خدا شهادت او را معادل شهادت دو مرد قرار داده است، آنگاه آن آیه را نوشتند. ابوبکر قرآن را در نامه‌ها جمع کرد، او ابتدا زید بن ثابت را برای این کار فراخواند؛ ولی زید امتناع ورزیده بود تا این که از عمر یاری خواست و او را قانع کرد زید بن ثابت گفت: پس ابوبکر به من امر کرد قرآن را در تکه‌های چرم و شاخه‌های خرما نوشتم و چون ابوبکر مرد در زمان عمر آن را در صحیفه‌ای نگاشتم و نزد او بود^{۱۹} وقتی به زید بن ثابت در زمان ابوبکر پیشنهاد شد که به جمع‌آوری و تدوین قرآن اقدام نماید گفت: «فَوَاللَّهِ لَنَقْلُ جَبَلٍ مِّنَ الْجِبَالِ مَا كَانَ أَثْقَلَ عَلَيَّ مِنَ الَّذِي أَمَرَنِي بِهِ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ، أَجْمَعُ مِنَ الرِّقَاعِ وَاللِّخَافِ وَالْعُسْبِ وَ صُدُورِ الرِّجَالِ...» سوگند به خدا انجام دادن

این کار برای من از جابه‌جا کردن کوه‌ها سنگین‌تر بود و من آیات قرآن را از برگ‌ها و سنگ و چوبه خرما و محفوظات مردم در سینه‌ها جمع نمودم.^{۲۰} پس از یک سال و خرده‌ای که از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله گذشته بود، جنگ یمامه در گرفت و در جنگ، هفتاد نفر از قرآء کشته شدند، خلیفه از این که ممکن است جنگ دیگری برای مسلمانان پیش آید و بقیه قرآء کشته شوند و مقداری از قرآن از بین رود، به فکر افتاد که آیات و سوره‌های قرآن را در یک مصحف گردآوری کنند. به دستور خلیفه جماعتی از قرآء صحابه و با تصدی زید بن ثابت، سور و آیات قرآنی را از الواح و سف‌ها و کتف‌ها که در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله به خط کُتاب وحی یا پیش قرآء صحابه بود جمع‌آوری کرد و در یک مصحف قرار دادند.^{۲۱} هنگام جمع‌آوری قرآن، عمر اعلام کرد هر کس چیزی از قرآن، از رسول خدا فراگرفته، آن را بیاورد. سپس آن را بر صحیفه‌ها و لوح‌ها و استخوان‌ها می‌نوشتند و از هیچ کس چیزی پذیرفته نمی‌شد تا این که دو شاهد گواهی دهند.^{۲۲} نوشتن قرآن کار جدیدی نیست؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به نوشتن آن امر می‌فرمود؛ ولی در رقع‌ها و کتف‌ها و عُسب پراکنده بود و ابوبکر امر کرد که آن را به صورت جمع‌آوری شده استنساخ نمایند و این کار مثل این است که اوراق پراکنده‌ای در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله یافت می‌شد که قرآن در آن اوراق نوشته شده بود، کسی آمد و آنها را جمع کرد و با ریسمانی به هم بست تا چیزی از آنها گم نشود و نیز گفته است که اگر اشکال شود که چگونه به رقع‌ها و سینه مردها اطمینان حاصل شد؟ می‌گوییم که آنها تألیف معجزه‌آمیز و نظم معروف و بدیعی آشکار می‌کردند که مدت بیست سال از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیده بودند از تزویر کردن چیزی که از آن نبود اطمینان داشتند، بلکه ترس از این بود که چیزی از آن صحیفه‌ها گم شود و از بین رود.^{۲۳}

ب) تداوم نزول وحی در عصر حیات پیامبر صلی الله علیه و آله چنان که می دانیم قرآن به تدریج در زمان رسالت پیامبر بر ایشان نازل گردید به طوری که تا آخر عمر رسول گرامی انتظار نزول آیات قرآن هم چنان وجود داشت و این از مهم ترین دلایلی است که قرآن تا آخر عمر مبارک پیغمبر جمع و تدوین نشده است.

خطابی گفته: بدین جهت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را در مصحف جمع نکرد که در انتظار نسخ احتمالی بعضی از احکام یا نسخ تلاوت قسمتی از آن بود و هنگامی که نزول آن با وفات آن حضرت پایان یافت، خداوند به خلفای راشدین الهام فرمود تا وعده راستین خود را در مورد ضمانت حفظ آن در میان این امت تحقق بخشد.^{۲۴} اعتماد در نقل قرآن به حافظه قراء از مزایایی است که خداوند به امت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مرحمت فرمود و این که قرآن در حیات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در دفتری گرد نیامد نزد علماء حدیث مورد قبول است.^{۲۵} آنچه مهم است تکمیل سوره‌ها و مستقل بودن هر سوره از سوره دیگر است تا آیه‌های هر سوره با سوره دیگر اشتباه نشود. این مهم در عهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفت؛ اما ترتیب سوره‌ها تا هنگام پایان یافتن قرآن امکان نداشت؛ زیرا پیامبر اکرم تا در حال حیات بود هر لحظه احتمال نزول سوره و آیه‌هایی می‌رفت. بنابراین طبیعی است تا پایان یافتن نزول قرآن که با پایان یافتن حیات پیامبر وابسته بود، سوره‌های قرآن قابلیت نظم و ترتیب داشت. سپس او می‌گوید: بیشتر محققان و تاریخ‌نویسان برآنند که جمع و ترتیب سوره‌ها پس از وفات پیامبر برای نخستین بار به دست علی بن ابی‌طالب، سپس زید بن ثابت و دیگر صحابه بزرگوار پیامبر انجام گرفت و در مجموع شاید بتوان گفت که عمل به جمع قرآن به دست صحابه، پس از رحلت پیامبر و پس از پایان یافتن نزول وحی از امور مسلم تاریخ است.^{۲۶} علت آنکه قرآن در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به صورت مصحفی مدون و میان دفتین فراهم نگردیده، این بود که یکی از ملاک‌های نقل قرآن، محفوظات قراء و حفاظ قرآن بوده است و پیش از جمع‌آوری قرآن به وسیله امیرالمؤمنین علی علیه

السلام و ابوبکر و عثمان، در مسئله تعلیم قرآن و قرائت و حفظ آن از حافظه در کنار نوشته‌ها نیز استمداد و استفاده می‌شد. علاوه بر این، هم زمان با حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنوز وحی الهی بر آن حضرت به پایان نرسیده بود و لازم بود پس از پایان گرفتن وحی یا به عبارت دیگر، پس از رحلت آن حضرت به جمع و تدوین قرآن در مصحف اقدام گردد.^{۲۷}

۱۸۵
حسنا
بررسی اختلاف نظر آیت الله خویی با تعدادی از دانشمندان پیرامون جمع آوری و تدوین قرآن/رحیم بلوایی

ج) اقدام علی علیه السلام به جمع آوری قرآن دلیلی بر تدوین قرآن بعد از پیامبر از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای اثبات جمع آوری قرآن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و در زمان خلفا به آن استناد نمود، جمع آوری قرآن توسط علی علیه السلام در روزهای بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. بررسی این موضوع از دو جهت دارای اهمیت است نخست این کار در چه زمانی انجام گرفته؟ دوم این که علی علیه السلام با چه انگیزه‌ای اقدام به این کار کردند؟

روایات جمع آوری قرآن به دست علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر اخبار و روایات بسیاری نقل گردیده که علی بن ابی طالب نخستین کسی است که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را جمع نموده است از جمله آنها: عبدخیر گفته: از علی علیه السلام شنیده است که در وقت رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله در مردم حالت تشائم و بدبینی مشاهده می‌نماید، از این جهت سوگند یاد می‌کند که جامه از تن برنگیرد مگر پس از جمع آوری قرآن و به همین منظور در خانه نشست و به جمع آوری قرآن پرداخت. او اولین کسی است که از حافظه خود، قرآن را جمع کرد. آن قرآن در خاندان جعفر ننگه‌داری شد و من نزد ابویعلی حمزه حسنی قرآنی به خط علی بن ابی طالب دیدم که چند ورقی افتاده داشت. وقتی مراسم بیعت با ابوبکر پایان یافت، علی علیه السلام در خانه‌اش نشست، پس به ابوبکر گفته شد که او بیعت با تو را کراهت

داشت، سپس ابوبکر در پی او فرستاد و گفت: آیا بیعت مرا کراهت داشتی؟ گفت نه، گفت: پس چه باعث شد که از ما کناره گرفتی؟ علی بن ابی طالب گفت: دیدم ممکن است در کتاب خدا افزوده شود پس با خود گفتم که ردایم را جز برای نماز نپوشم تا این که آن را جمع نمایم، ابوبکر گفت: خوب فکری اندیشیدی.^{۲۸} پس از وفات پیامبر عده‌ای به جمع آوری قرآن اشتغال داشتند که در رأس آن‌ها نام علی علیه السلام قرار دارد؛ زیرا پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام رداء به دوش نگرفت تا این که قرآن را جمع کرد سپس او اضافه می‌کند که این روایت تنها از ناحیه شیعه گفته نشده است، بلکه در میان روایات معتبر اهل سنت نیز سابقه دارد.^{۲۹} برخی روایت کرده‌اند که علی بن ابی طالب بعد از رحلت پیامبر، قرآن را فراهم ساخت و آن را بر شتری نهاد، آورد و گفت: هَذَا الْقُرْآنُ قَدْ جَمَعْتُهُ «این قرآنی است که فراهم ساختم.»^{۳۰} پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام که به نص قطعی و تصدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همه مردم به قرآن آشنا تر بود، در خانه انزوا پرداخته و قرآن را به ترتیب نزول در یک مصحف جمع آوری کرد و هنوز شش ماه از رحلت نگذشته بود که فراغت یافت و مصحفی را که نوشته بود، بر شتری نهاد و به نزد مردم آورد و نشان داد.^{۳۱} وصیت پیامبر جمع قرآن بود تا مانند تورات در معرض ضایع شدن قرار نگیرد. علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر از وصیت تبعیت کرد و به این مهم پرداخت و آن را عرضه داشت؛ ولی به دلایلی پذیرفته نشد؛ اما از آن جایی که قرآن اولین مرجع تشریح آیین اسلام و زیربنای ساخت جامعه اسلامی است، ضرورت داشت خلیفه وقت از دیگر کاتبان کلام الهی استفاده کنند تا به جمع قرآن از روی قطعات چوب و استخوان و سینه‌های حافظان قرآن، آن را ضبط کنند.^{۳۲} از ابن عباس در ذیل آیه «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» نقل شده است که علی علیه السلام پس از مرگ پیامبر قرآن را به مدت شش ماه جمع آوری نمود.^{۳۳} امیر المومنین علی علیه السلام، قرآنی را که در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله نوشته بود، پس از وفات آن حضرت در صدد جمع آوری و

ترتیب آن بر آمد و برای این کار سخت می‌کوشید و قرآنی را که مرتب ساخت به بزرگان وقت ارائه داد که آنان، آن را نپذیرفتند و نادیده‌اش انگاشتند.^{۳۴}

بنابراین از روایات و اخبار تاریخی نقل شده چنین بر می‌آید که بعد از وفات نبی اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام اقدام به جمع‌آوری قرآن می‌نماید و جز برای اقامه نماز جمعه از خانه بیرون نمی‌رود و انگیزه او از جمع‌آوری قرآن نیز محافظت از آیات قرآن که در زمان حیات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به صورت پراکنده نوشته، هست. لازمه این سخن آن است که ایشان دست به کاری می‌زنند که در زمان پیغمبر بی سابقه بوده است؛ چرا که اگر قبلاً این کار صورت گرفته باشد، دیگر لزومی نداشت که او خود را خانه‌نشین کند و تمام همت خویش را مصروف جمع‌آوری قرآن نماید. به هر حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که تدوین قرآن به صورت یک کتاب، نخستین بار بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و توسط علی علیه السلام و مهم‌ترین دلیل بر جمع‌آوری قرآن بعد از وفات پیامبر اسلام بوده است.

د) معانی متعدد واژه کتاب

از دلایلی که خوبی در تدوین و جمع‌آوری قرآن در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن استناد می‌کند، کلمه «کتاب» است و به آیه‌ای که خداوند، مشرکان و کفار تحدی نموده اشاره می‌نماید و آن را دلیلی بر جمع‌آوری قرآن در عصر پیامبر می‌داند. به عبارت دیگر به کار بردن کلمه کتاب در این آیه مستلزم آن است که در عصر پیامبر در یک مجموعه مدون، گردآوری شده باشد و هرگز به اوراق پراکنده کتاب اطلاق نخواهد شد. حال باید دید که این واژه به چه معناست؟

آن چه مسلم است این است که کتاب همیشه به معنای یک مجموعه مدون و کامل و به هم پیوسته نیست. ذکر کتاب در آیاتی از قرآن هرگز دلالتی ندارد که تمام قرآن در آن زمان تدوین شده است. لفظ کتاب هم به کل قرآن اطلاق می‌شود و هم به اجزای آن

کتاب گاهی به معنای وسیع‌تر اطلاق می‌شود، یعنی مطالب که در خور نوشتن است و به صورت مکتوب بیرون خواهد آمد، هر چند که تا آن زمان نوشته نشده باشد.^{۳۵} کتاب مصدر است به معنای مکتوب در اصل به معنای جمع کردن است، گویی مطالب یا حروف آن، در کنار هم جمع شده‌اند. لشگر را از آن جهت کتیبه گفته‌اند که بعضی با بعضی جمع شده‌اند، کتاب به معنای اثبات تقدیر، ایجاب و اراده نیز آمده است.^{۳۶} بنابراین عنوان «کتاب» لزوماً به معنای یک مجموعه به هم پیوسته و مدون میان دو جلد نیست و برای بخش‌های یک کتاب هم به کار برده می‌شود مانند: کتاب تجارت، کتاب قضا، کتاب ارث و... آنها بخشی‌هایی از یک کتاب هستند.

نتیجه‌گیری

باعنایت و ملاحظه دلایل و شواهدی که تقدیم گردید، می‌توان چنین نتیجه گرفت که جمع آوری و تدوین قرآن به صورت یک کتاب بعد از رحلت پیامبر صورت گرفته است. بر این اساس معتقدیم، آنچه در عصر رسول خدا به عنوان جمع قرآن نامیده‌اند یا حفظ آیات و سوره‌های قرآن در سینه‌ها بوده که مسلمانان با عشق و علاقه وصف ناپذیری آیتی که از جانب خدا بر رسول گرامیش نازل می‌شد، مبادرت به حفظ آن‌ها می‌کرده‌اند و این همان «جمع اول» قرآن است. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در کار نوشتن وحی سعی بلیغی داشت به گونه‌ای که کاتبان وحی پس از دریافت آیات به املائی خود پیامبر و تحت نظارت او آن را بر روی نوشت افزار معمول آن زمان می‌نوشتند و این جمع دوم قرآن نامیده شده است که قطعاً در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله انجام گرفته است. اما جمع قرآن به شکل «مابین الدفتین» و یا «ما بین اللوحین» کاری است که بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله و در زمان خلفا انجام گرفته است.

پی نوشت‌ها:

۱. آیت الله سید ابوالقاسم خوبی از مراجع تقلید در نجف اشرف بوده است.
۲. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، مبحث جمع آوری و تدوین قرآن.
۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۲۱۱.
۴. همان.
۵. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۳.
۶. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۲۵۶.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۹۹.
۸. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۲۲۱.
۹. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۱۱۹.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۴۷.
۱۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۲۵۷.
۱۲. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۵.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۲۷.
۱۴. یعقوبی (ابن واضح)، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۰.
۱۵. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۱۰، به نقل از در آستانه قرآن باشر، ص ۱۲.
۱۶. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۲۶۶.
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۵.
۱۸. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۱۷.
۱۹. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۵.
۲۰. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص ۲۱۵، به نقل از ابن ندیم.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۴۷.
۲۲. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۱۰، به نقل از المصاحف، ص ۳۳۱.
۲۳. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۵.
۲۴. همان، ص ۲۰۱.
۲۵. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۷۳، به نقل از ابن الجزری، ج ۱.
۲۶. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۱۲۰.

۲۷. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص ۲۴۵.
۲۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق بن ندیم، الفهرست، ص ۴۷.
۲۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۲۹۷.
۳۰. یعقوبی (ابن واضح)، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۴۷.
۳۲. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۱۲۳.
۳۳. مجلسی، سید محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۷.
۳۴. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص ۲۷۵.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۹۷.
۳۶. قرشی، سید علی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، ص ۸۹.

منابع:

۱. ابن ندیم (محمد بن اسحاق بن ندیم)، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۲.
۳. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید جعفر حسینی، قم، دارالانقلابین، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ ۱۲۸، ۱۳۶۳.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.

۸. قرشی، سید علی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، تهران، انتشارات بنیاد بعثت، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.

۹. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه انتشاراتی التمهید، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۰. مجلسی، سید محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۹.

۱۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجاه و هشتم، ۱۳۸۸.

۱۲. یعقوبی، ابن واضح، (احمد بن ابی یعقوب)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.